

مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی و تبیین نقش و جایگاه آن در دوران پساتحریم

علی باقری

دکتری مدیریت، شرکت اندیشه و عمران محیط، تهران

A_Bagheri124@yahoo.com

سیدمصطفی موسوی

پژوهشگر و مشاور مدیریت، شرکت نجات کسب‌وکار جهانی (GBR)، تهران (نویسنده مسئول)

Management.fep@mail.com

اقتصاد مقاومتی بر مبنای جهاد اقتصادی و نظام انگیزشی اسلامی، رویکردی نو در قالب گفت‌وگو انقلاب اسلامی است که با تدوین یک استراتژی علمی و کارشناسی شده و بازتعریف فلسفه وجودی نهادها و قوانین، به مقاوم‌سازی و ترمیم ساختارهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی می‌پردازد. در این میان، ارائه مفاهیم جامع و تبیین راهبردها و الزامات اساسی این نگرش اقتصادی می‌تواند ضمن جلوگیری از برخی برداشت‌های سلیقه‌ای و شخصی، الگویی برای عملکرد سازنده آن بوده و مانع سرگردانی مردم و مجریان در تحقق این مهم باشد. از این رو در نوشتار حاضر سعی شده است با مطالعه دیدگاه‌های صاحب‌نظران و بررسی نتایج فعالیت‌های علمی پژوهشگران، مفاهیم و مبانی نظری سیاست اقتصاد مقاومتی و راهبردهای اصولی پیاده‌سازی آن به تفصیل مورد بحث قرار گیرد. سپس نویسندگان در ادامه مقاله به تحلیل نقش و جایگاه این الگوی اقتصادی به عنوان نسخه همه‌جانبه در شرایط تحریم و پس از آن می‌پردازند و راهبرد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در چشم‌انداز آینده کشور بررسی می‌کنند.

طبقه‌بندی JEL: O20, P43.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سیاست امنیتی، تحریم اقتصادی، توسعه، پساتحریم.

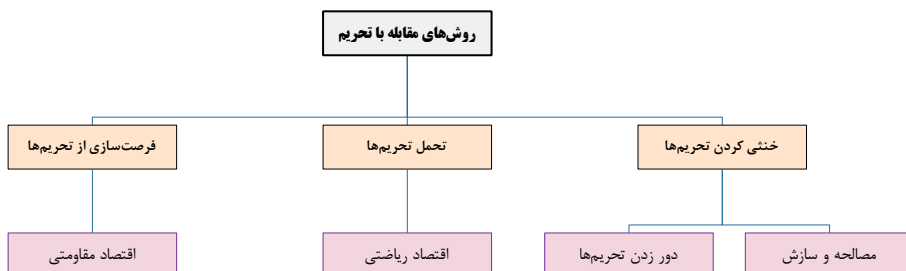
1. مقدمه

به سبب ماهیت نظام اسلامی و چالش‌های آن با نظام سلطه، امروزه کشور در میدان وسیعی در مقابله با جبهه بیگانگان قرار گرفته است. اقتصاد کشوری نظیر ایران که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های دنیا در تضاد است، اقتصادی خاص خواهد بود؛ چراکه دشمنی و مخالفت با چنین کشوری، همواره وجود دارد و در هر دوره‌ای به شکلی متفاوت بروز می‌کند. در یک اقتصاد در شرایط بحران، تخصیص بهینه منابعی که نسبت به قبل نیز محدودتر می‌شوند، استراتژی‌ها و نگرش‌های استراتژیک متفاوت نسبت به شرایط عادی را می‌طلبد. از این رو باید همه سازوکارها و سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که از چنین اقتصادی در برابر تهدیدها حفاظت کنند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازند. ایران که همیشه در معرض دشمنی‌ها قرار داشته و در برابر آن‌ها مقاومت کرده است، باید اقتصادی مناسب با این وضعیت داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود. در اقتصاد مقاومتی، کشور از هر نظر آمادگی برخورد با شرایط سخت و دشوار را دارد و از این رو در برابر فشارهای بین‌المللی غافلگیر نمی‌شود.

اتخاذ سیاست اقتصاد مقاومتی به مفهوم یک مدیریت استراتژیک¹ منسجم خودباور، با شناسایی و تشخیص حوزه‌های فشار و تهدیدهای فراوو و اهتمام در استفاده حداکثری از تمامی فرصت‌ها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل با حداکثر بهره‌وری و اصلاح و ترمیم ضعف‌ها، نه تنها کاهش آسیب‌پذیری ناشی از تحریم‌ها را به دنبال دارد، بلکه رشد اقتصادی حاصل از بهره‌گیری از فرصت‌های ناخواسته پیش‌آمده ناشی از آن را نیز سبب خواهد شد (شیخ‌الاسلامی، 1391). به عبارتی دیگر، یک نظام اقتصادی با ویژگی اقتصاد مقاومتی تلاش می‌کند تا نقش تأثیرگذاری در اقتصاد جهانی ایفا کند، به طوری که اعمال هرگونه تحریم علیه کشور مذکور، امنیت اقتصاد

¹. مدیریت استراتژیک مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات مدیریتی است که عملکرد بلندمدت یک کشور (سازمان) را تعیین می‌کند. در این مدیریت، تحلیلی محیط (درونی و بیرونی)، تنظیم استراتژی، اجرای استراتژی و کنترل و ارزشیابی استراتژی انجام می‌شود (محمداف، 1387).

جهانی را با مخاطره مواجه سازد. شکل 1، انواع روش‌های مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی تحریم‌کنندگان را نشان می‌دهد.



مأخذ: ممینی، 1391

شکل 1. روش‌های مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی

مبانی اقتصاد اسلامی نیز بر مبنای تشکیل یک اقتصاد مقاومتی است. قاعده نفی سبیل، هرگونه تسلط کفار بر مسلمین را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جایز نمی‌شمارد (بناء رضوی، 68:1367). بر اساس نظر شهید محمدباقر صدر، اسلام دارای مکتب اقتصادی است و نیازی به تقلید از تفکرات انحرافی نیست (نظری، 1385). بر این اساس مبنای اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد به طوری که قادر باشد در برابر دیگر الگوهای اقتصادی موجود در دنیا که ماهیتی استعماری دارند، قد علم کند و به عنوان الگویی مناسب در جهت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و رهایی آن‌ها از استعمار اقتصادی ابرقدرت‌ها معرفی گردد.

تحقق اهداف ملی تابعی از تحقق استقلال به معنای واقعی آن است. متعاقب گذر از سطح خاصی از بلوغ استقلال سیاسی، زمینه نمود استقلال اقتصادی فراهم می‌گردد (تقی‌زاده انصاری، 1379). القای تفکر اقتصاد مقاومتی، نوعی تدبیر هوشمندانه است تا مدیران ارشد سیاسی و اقتصادی را از غفلت ایجاد شده برهاند و توجه آن‌ها را به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در داخل کشور جلب نماید (شهبازی، 1389). کشور ایران به طور بالقوه از نعماتی برخوردار است که می‌تواند آن را به اقتصادی قدرتمند و پایا تبدیل نماید. برخورداری از میزان چشمگیر ذخایر گازی،

نفی و معدنی، قرارگیری در موقعیت کاملاً استثنایی و ژئوپلیتیک برای کسب منابع قابل توجه ارزی، بهره‌مندی از تنوع اقلیمی مناسب برای سرمایه‌گذاری در محصولات مختلف کشاورزی، برخورداری از تمدن و تاریخ کهن و جایگاه ویژه از نظر میراث فرهنگی و اکوتوریسم و نیز وجود نیروی انسانی تحصیل کرده و توانمند، همگی بیانگر امکانات و ظرفیت‌های داخلی است که می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح، در راستای تحقق اهداف کشور به کار گرفته شود (نیلی، 1383).

امروز در کشور به اقتصاد چندلایه نیاز است؛ چراکه اقتصاد دولتی و بخش در حال خصوصی شدن، جوابگوی خواست‌های اقتصادی در کشور نیست و این امر، مشکلات فراوانی را به وجود آورده است. علاوه بر این، جنگ نرم به حیطه اقتصاد نیز وارد شده است و ابزار تحریم‌های اقتصادی در کنار ابزاری چون جنگ روانی و برهم زدن انسجام داخلی قرار گرفته است (امیری و همکاران، 1391). بنابراین اقتصاد ملی باید حتی در شرایط سخت و وجود تحریم‌ها نیز احیا شود و این امکان‌پذیر نیست مگر با اقتصادی که همه در آن نقش داشته باشند و هرکس بخشی از این چرخ را به حرکت درآورد (جعفری و آهنگری، 1391).

با توجه به موارد فوق، تبیین ضرورت طرح سیاست اقتصاد مقاومتی و استراتژی آن در دوران پساتحریم به عنوان هدف اصلی این مطالعه، مدنظر گرفته شده است. این پژوهش درصدد است تا با بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و تبیین راهبردهای اصولی در راستای پیاده‌سازی صحیح الگوی اقتصاد مقاومتی در کشور، راه مقابله با تهدیدهای فرارو و برون‌رفت از بحران را تسهیل نماید.

2. بیان مسئله

در شرایط جدید اقتصاد ایران که با مشکلات زیرساختی، فراساختی و تحریم‌های گوناگون مواجه بوده، پرداختن به مقوله اقتصاد مقاومتی، امری مهم و ضروری است. از سویی، بیگانگان به سبب مخالفت‌های ذاتی با ایران اسلامی، تلاش دارند تا نسبت به درهم‌ریختگی اقتصاد ایران، اقداماتی را انجام داده و از این ناحیه، ضرباتی را به ملت ایران وارد کنند و از سویی دیگر، مقاومت در اقتصاد، نسخه‌ای کار ساز برای عبور از این مرحله است (اصغری، 1393). علاوه بر این، موضوع اقتصاد

مقاومتی موضوعی بسیار بدیع و جدید و بکر است و تجربه منتشر شده مکتوبی در مورد آن وجود ندارد و از این رو بایستی جوانب آن مورد بررسی و توجه قرار گیرد. از منظری دیگر برای کشور ایران که مصمم است اقتصاد تک‌محصولی و مبتنی بر درآمد نفت را متحول کرده و به سمت عدم وابستگی به نفت حرکت کند موضوع اقتصاد مقاومتی، یک راهکار و نقشه راه سازنده است. اینکه چرا اقتصاد مقاومتی، ضرورت امروز جامعه ایرانی است را می‌بایست در دستور کار پیگانگان و در تهاجم گسترده اقتصادی به ایران اسلامی جستجو کرد (جعفرزادگان و حبیبی، 1391).

ضعف اقتصاد ایران در وابستگی به نفت، راه‌حل تحریم نفتی را پیش پای غرب قرار داده و از آن به عنوان ابزار فشار بر اقتصاد ایران استفاده می‌کنند (پیغامی، 1391). دشمنان بر این باورند که تحریم‌های اقتصادی توانسته است بر اقتصاد خانوارهای ایرانی، تأثیر منفی داشته باشد و فشار اقتصادی بر مردم می‌تواند منجر به تغییرات فرهنگی و عقیدتی شود. آن‌ها به‌درستی فهمیده‌اند که در نظام اسلامی، اقتصاد بعد از اعتقاد، مهم‌ترین رکن استقلال سیاسی محسوب می‌شود.

کشورهای غربی به دلیل ضعف درونی و استراتژیک قادر نیستند سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی را به طور کامل مختل کنند، اما بر روی نقاط ضعف و اجزای ناقص این سیستم، اصرار و تأکید می‌کنند و پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند. از جمله بخش‌هایی که اقتصاد مقاومتی می‌تواند در آن‌ها وارد شود می‌توان به وابستگی بیش از حد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، شکاف طبقاتی و فقر نسبی، فساد اقتصادی و اداری، ضعف در شایسته‌سالاری علمی، ضعف نظام بانکداری و پولی و سیستم ارزی کشور، عدم توجه به تغییر هرم جمعیتی و سالخوردگی جمعیت، بوروکراسی عریض و طویل دولتی، عدم نظارت دقیق بر چرخه توزیع کالا به صورت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در کشور، ضعف حمل‌ونقل ریلی به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی و عدم توجه به سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های نمادین اشاره کرد. چنین مشکلات اقتصادی که جامعه را با مشکلات فرهنگی و اجتماعی بسیاری مواجه ساخته و با شوک‌درمانی نیز رفع نمی‌شود، ناشی از پیروی ناآگاهانه از اقتصاد سرمایه‌داری است که در درون خود، خلأهای استراتژیک احساس می‌کند (اسماعیلی، 1390: 44).

بدین نکته بایستی توجه داشت که اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه به مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیربخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیازدهی به بیگانگان و بهبود سطح رفاه عموم و با هدف حداقل و کم اثر نمودن اثرات فشارهای خارجی و تحریم‌ها بر اقتصاد داخلی ارزیابی می‌شود. یکی از اهداف اساسی که در به کارگیری اقتصاد مقاومتی دنبال می‌شود، توانمندسازی مدیران در زمینه ساماندهی امور عمومی در کشور است. این اقتصاد، افرادی را می‌طلبد که با برخورداری از تعهد، تخصص لازم را برای توزیع بهینه منابع در جهت کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی داشته باشند. وجود مدیریت عقلانی، یکی از مهم‌ترین ارکان برای گذار از اقتصاد دولتی و ورود به اقتصاد رقابتی در فضای کسب‌وکار است که با پایه‌ریزی الگوی اقتصاد مقاومتی، می‌توان به این مهم دست یافت.

با این وصف، مسئله‌ای که نویسندگان را به این تحقیق برانگیخت، نقص در بیان کامل ادبیات مفهومی و عدم تأکید بر برخی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین سرگردانی مردم و مجریان در تحقق این الگوی راهبردی برای مدیریت اقتصادی بوده است. طی چند سال اخیر که موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح گردیده و در نام‌گذاری سال نیز بر این حوزه، تأکید ویژه شده است (سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال)، به‌راستی چه میزان دستگاه‌های اجرایی دولتی و سازمان‌های عمومی غیردولتی در راستای اقتصاد مقاومتی گام برداشته‌اند؟ چه میزان جهت‌گیری‌ها و رویکردهای بودجه‌ای دستگاه‌های اجرایی دولتی و سازمان‌های عمومی غیردولتی مبتنی بر درک الزامات اقتصاد مقاومتی و نه ریاضت اقتصادی، طراحی و عملیاتی شده است؟ توجه به این موارد، خلأ ناشی از عدم اقدام در مسائل اقتصادی و همچنین نظریه اقتصاد مقاومتی را آشکار می‌سازد که بر همین اساس نیز رهبری خواستار حرکت جدی در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی شدند (بیانات رهبری در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی، 1395).

بنابراین با توجه به توضیحات فوق، سؤال اصلی تحقیق این است: راهبردها و الزامات اصولی برای ورود انگیزه جهادی به اقتصاد کشور و عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی، به عنوان نسخه همه‌جانبه در شرایط تحریم و پس از آن چیست؟ اما سؤالات فرعی عبارت است از اینکه الگو و

راهبردهای اقتصاد مقاومتی، از چه ویژگی‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی باید برخوردار باشند تا به صورت مؤثر به اهداف خود نائل گردند؟ در مسیر حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی، هر یک از این راهبردها، چه روندی را جهت رسیدن به اهداف موردنظر دنبال می‌کنند؟ هر یک از راهبردهای موردنظر، چه تأثیرات و پیامدهایی بر جریان مقاومتی شدن اقتصاد کشور بر جای خواهند گذاشت؟ در این مقاله برای پاسخگویی به سؤالات فوق، از روش توصیفی استفاده شده است. تحقیق حاضر، از نگاه هدف «توصیفی»، از نگاه نوع استفاده «توسعه‌ای» و از دیدگاه زمانی «مقطعی» محسوب می‌شود. این تحقیق، حاصل جمع‌آوری نتایج پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی محققانی است که در حوزه اقتصاد مقاومتی انجام داده‌اند. در اینجا به بررسی ادبیات تحقیقات صورت گرفته در رابطه با رهیافت اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های آن می‌پردازیم و سعی داریم با بررسی و تلخیص نتایج آن‌ها، مفاهیم، راهبردها و الزامات کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بحث قرار دهیم.

3. ادبیات سیاست اقتصاد مقاومتی

جمهوری اسلامی ایران همواره در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی با شرایطی مواجه بوده و است که تاکنون چه از دیدگاه نظری و چه از دیدگاه عمل و تجارب بشری، مشابه نداشته است. از این رو انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری، نظریه‌پردازی، الگوسازی و تغییر مسیر حرکت در عرصه‌های نوین اقتصادی است (امیری و همکاران، 1391). اقتصاد مقاومتی، از جمله این الگوهاست. نظریه اقتصاد مقاومتی، یک ابتکار بر اساس مبانی اسلامی ایرانی است و همانند سایر مکاتب اقتصادی دارای چرخه تولید، توزیع و مصرف است. در حوزه تولید، به تولید دانش‌بنیان (بر اساس علم بومی) و کار همه اقشار جامعه به عنوان امری مقدس نظر دارد و پول را به عنوان یک ابزار می‌بیند و برایش فی‌نفسه ارزشی قائل نیست. به بیانی دیگر، استفاده از توان و دانش ایرانی در امر تولید را به عنوان عوامل اصلی رشد و توسعه پایدار¹ در این حوزه برمی‌شمارد و صرفاً به سرمایه

¹. در تعریفی ساده، توسعه پایدار یعنی تلفیقی از اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به منظور حداکثر سازی شرایط رفاهی انسان فعلی، بدون اینکه آسیبی به توانایی نسل‌های آتی برای دستیابی و تأمین نیازهای خود وارد کند

پولی توجه نمی‌کند. همچنین در زمینه توزیع تلاش می‌کند تا با به کار بردن مکانیزم‌های مختلف و فراهم آوردن امکانات برابر برای تولید همگانی، از احتکار، گران‌فروشی، رقابت برای فروش بالاتر و دروغ‌پردازی در فروش جلوگیری نموده و به مقابله با آن پردازد و در حوزه مصرف به عدم اسراف و تبذیر تأکید می‌کند (ملک علیپور و پورپیر، 1391).

جوامع بشری برای نظم بخشیدن به حیات اقتصادی خود، از مفاهیم و اندیشه‌هایی که در آن وجود دارد تأثیر می‌پذیرند که در حقیقت، مجموعه این مفاهیم، یک مکتب اقتصادی را شکل می‌دهد. مکتب اقتصادی برای هر جامعه عبارت است از روشی که آن جامعه جهت سامان بخشی به حیات اقتصادی خود و حل مشکلات علمی، آن را در پیش می‌گیرد (صدر، 1393). اگرچه اقتصاد مقاومتی در آغاز به عنوان ابزاری برای رهایی از تحریم‌ها علیه ایران بوده، اما ظرفیت تبدیل شدن به یک مکتب را دارد و تلاش می‌کند با محور قرار دادن عدالت اجتماعی، ضمن برون‌رفت کشورهای در حال توسعه از عقب‌ماندگی اقتصادی، با برقراری توازن در طبقات اجتماعی و جلوگیری از انباشت سرمایه بتواند جهان امروز را از بن‌بست اقتصادی برهاند (ملک علیپور و پورپیر، 1391). شکل 2، توسعه نظام اقتصادی و پیشرفت کشور را از طریق راهکارهایی که به واسطه اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد، نشان می‌دهد.

(OECD, 2001). همچنین، زاهدی و نجفی در پژوهش خود با عنوان «بسط مفهومی توسعه پایدار»، مدیریت روابط سیستم‌های انسانی و اکوسیستم‌ها به منظور استفاده پایدار از منابع در جهت تأمین رفاه حال و آینده انسان‌ها و اکوسیستم‌ها را به عنوان معنای توسعه پایدار در نظر گرفته‌اند (زاهدی و نجفی، 1385).



مأخذ: جعفرزادگان و حبیبی، 1391

شکل 2. رویکرد هدفمند سیاست اقتصاد مقاومتی در ارائه راهکارهای لازم برای توسعه پایدار کشور

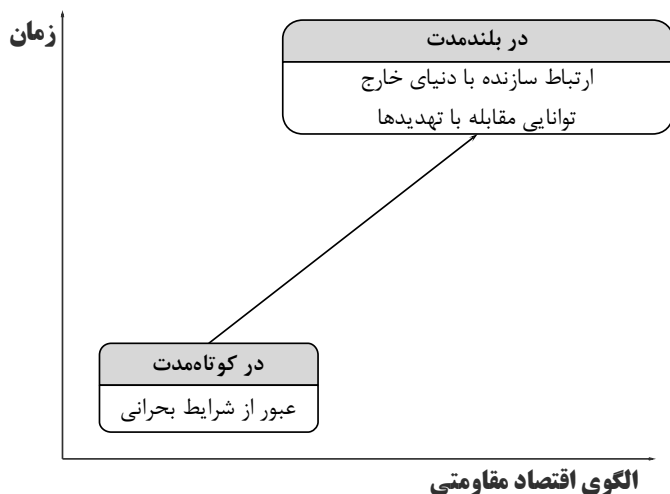
1-3. مفهوم اقتصاد مقاومتی و طبقه‌بندی تعاریف آن

تلاش در راستای تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف، و در نهایت رشد و شکوفایی اقتصاد حتی در شرایط فشار و تحریم، اساسی‌ترین مفهوم الگوی اقتصاد مقاومتی است. در اقتصاد مقاومتی، علاوه بر تعامل پویا و فعال با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور برقرار بوده و نو سانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر منفی را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی خواهند داشت. در چنین اقتصادی که منفعل و بسته نبوده و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی می‌کند، نباید تنها بر روی یک یا چند بخش از ظرفیت اقتصادی کشور تمرکز داشت، بلکه بایستی کوشید تا با تشخیص تهدیدها و پیامدهای منفی و کمبودهای ناشی از آن و نیز با شناسایی تمامی توانمندی‌های انسانی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی داخلی، همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره‌برداری از توان خود برسند (تاری و همکاران، 1391:2؛ افشار، 1391:2؛ شهبازی، 1389:26).

اقتصاد مقاومتی از نوع توسعه اقتصادی درون‌زاست؛ چراکه خودکفا، مستقل، پایدار و در عین حال زمان‌بر و در ابتدا با هزینه و خطرپذیری بیشتر همراه است. این نوع اقتصاد به دلیل ایستادگی در برابر طراحی‌های استعماری و استثماری بیگانگان، اقتصادی آگاهانه، مدبرانه، عاقلانه و همراه با معنویت است که با تأکید بر مسئله عدالت، اخلاق و دانش و سرمایه ملی و نیز با تکیه بر دو عنصر جدایی‌ناپذیر اقتصادی یعنی تولید ملی و مصرف ملی، امکان سازگاری میان خواسته‌های متعارض اقتصادی را فراهم می‌سازد (ملک‌علیپور و پورپیر، 1391).

تحلیل محتوای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها نقش تکمیل‌کننده و انسجام‌بخش را برای مجموعه سیاست‌های کلی ابلاغ‌شده در حوزه اقتصاد ایفا می‌کنند و از رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا برخوردارند. طبق بررسی‌های انجام شده، بخش قابل توجهی از اهداف و سیاست‌های کلی مطرح شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، دارای سابقه نسبتاً زیادی در سایر اسناد بالادستی، قوانین موضوعه و قوانین برنامه پنج‌ساله کشور است (روحانی و خاندوزی، 1393). در واقع، می‌توان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به دو بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم کرد، شکل 3. اقتصاد مقاومتی بلندمدت، اقتصادی را ترسیم می‌کند که علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج، توانایی مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی را نیز داراست. چنین اقتصادی باید از قابلیت انعطاف‌پذیری بالایی نسبت به شوک‌های وارده برخوردار باشد. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در بلندمدت باید برنامه‌ریزی‌های بلندمدت تدوین گردد و سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای اتخاذ شود تا اهداف تعیین شده، محقق شوند. اما اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت، در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می‌گردد. در این شرایط، ضمن توجه به چارچوب‌های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آن‌ها، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که تنها برای گذر از شرایط بحرانی موجود بوده و در بلندمدت، تطابق چندانی با مؤلفه‌های علم اقتصاد ندارند. اگرچه این سیاست‌ها می‌توانند در طول سیاست‌های کلان و بلندمدت قرار گیرند اما به نظر می‌رسد برای خروج از شرایط بحران،

بهره‌گیری از سیاست‌های کوتاه‌مدت ضروری است و با عبور از بحران، این سیاست‌ها می‌تواند در مسیر بلندمدت اقتصاد مقاومتی قرار گیرد (ممینی، 1391؛ تاری و همکاران، 1391: 17).



مأخذ: ممینی، 1391

شکل 3. اقتصاد مقاومتی در گذر زمان

بر اساس اهداف اقتصاد مقاومتی، تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. همه این تعاریف به نوعی با هم رابطه عموم و خصوص من وجه دارند و ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را به تصویر می‌کشند (رحمانیان، 1391). این تعاریف را می‌توان بر اساس زیر طبقه‌بندی نمود (تاج‌آبادی، 1391: 2):

اقتصاد موازی: انقلاب اسلامی بر اساس نیازها و خواسته‌های خود، نهادهایی با عملکرد انقلابی (مانند جهاد سازندگی، بنیاد مسکن، کمیته امداد و ...) ایجاد نموده است. اقتصاد موازی بر این موضوع تأکید دارد که امروز نیز باید برای تأمین اهداف انقلاب، چنین دیدگاهی وجود داشته و این پروژه‌ها ادامه یابد. لذا بر اساس اقتصاد موازی، ایجاد نهادهایی موازی برای اقتصاد مقاومتی ضروری است (پیغامی، 1391: 9).

اقتصاد ترمیم‌ساز: اقتصادی که به دنبال مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ به طوری که اگر نهادی نمی‌تواند انتظارات را برآورده سازد، با بازتعریف سیاست نهادهای موجود، انتظارات برآورده شود. موضوع ترمیم ساختارهای اجرایی، امری محال و دور از ذهن نیست، چه بسا کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شده‌اند (پیغامی، 1391:9).

اقتصاد تدافعی: این اقتصاد در پی هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی کشور در برابر آن هجمه است. بر این اساس، تا زمانی که ابزارها و روش‌های هجمه‌دشمن‌مورد شناسایی قرار نگرفته و استراتژی مقاومت علیه آنان، تدوین و اجرا نگردد نمی‌توان به اهداف اقتصاد مقاومتی دست یافت (اسماعیلی، 1390:44).

اقتصاد سرمشق (الگو): اقتصاد مقاومتی علاوه بر ارائه یک رویکرد کوتاه‌مدت و پدافندی، چشم‌اندازی کلان به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد. باید اقتصاد ایدئالی شکل گیرد که در عین اسلامی بودن، الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. نگرش اقتصاد سرمشق، بلندنگر است به طوری که بر مؤلفه‌هایی چون اقتصاد کارآفرینی، ریسک‌پذیری و نوآوری تأکید دارد (جعفری و آهنگری، 1391؛ اسماعیلی، 1390:44).

2-3. مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

همه‌آحاد جامعه به نوبه خود وظیفه خاصی در زمینه اقتصاد مقاومتی دارند و باید با توجه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن، آمادگی خود را برای مقابله با تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی افزایش دهند. از این رو، شناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی اقتصاد مقاومتی، امری ضروری و پراهمیت است. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که توسط پژوهشگران و صاحب‌نظران، مورد بحث و بررسی قرار گرفته، عبارتند از:

1-2-3. مؤلفه‌ها

بر اساس نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی و با طبقه‌بندی ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی، مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

کارآفرینی: در تعریف کارآفرینی مؤلفه‌هایی چون تعهد، خلاقیت و نوآوری، کار، تولید، خطرپذیری، مفید بودن و ایجاد ارزش جدید از مقومات مفهومی و معنایی است. جامعه‌ای که در بستر کارآفرینی حرکت می‌کند، جامعه‌ای پویا و فعال بوده و به آسانی می‌تواند همه مشکلات و فشارهای بیرونی و درونی را تحمل کرده و پشت سر بگذارد (رحمانیان، 1391). برای ایجاد یک اقتصاد مقاوم واقعی در کشور بایستی تمام مسئولان، خود را موظف به ایجاد کار، تولید، کارآفرینی و رونق و شکوفایی جمهوری اسلامی بدانند.

حرکت برنامه‌محور و راهبردی با تأکید بر اقتصاد بومی و اسلامی و پرهیز از سیاست اقتصادی وابسته: حرکت با برنامه، از مؤلفه‌های اساسی است. بی‌تردید اتخاذ سیاست‌های ناهماهنگ با سایر اجزای الگوی اقتصاد مقاومتی، دستاوردها و نتایج مثبت گفتمان را به کلی تحت الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین تدوین برنامه‌های همساز با راهبرد اتخاذشده، از ضروری‌ترین اقدامات است (جعفری و آهنگری، 1391).

وحدت سیاسی و ملی: وحدت سیاسی و ملی بین قوای سه‌گانه و تمامی عرصه‌های دولتی و خصوصی و مردمی می‌تواند اصولی‌ترین راهبرد در برابر هرگونه تحریم‌ها و تهدیدات خارجی باشد و درنهایت در سطوح پایین‌تر جامعه، ر سوخ پیدا کرده و موجبات سربلندی کشور در برابر مشکلات را فراهم خواهد ساخت (جعفری و آهنگری، 1391).

ارتقای دانش، توانمندی و مهارت: توجه به ارتقای فناوری در عرصه تولید و افزایش سطح مهارت و توانمندی در نیروی انسانی و جمعیت جوان و تحصیل کرده سبب کاهش معضلاتی نظیر اشتغال در جامعه شده و افزایش مقاومت اقتصاد را به دنبال دارد (ملک علیپور و پورپیر، 1391).

مدیریت مصرف و تحریم اسراف و تبذیر: مصرف، مهم‌ترین مؤلفه تقاضای کل است و در اقتصاد کلان، نقش بسزایی دارد. در این میان، تنظیم مصرف فردی به معنای هدایت مصرف کل جامعه

است (ملک‌علی‌پور و پورپیر، 1391). مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر، حرکتی جهادی است که سازمان‌های دولتی و غیردولتی و نیز مردم و خانواده‌ها باید بدان توجه ویژه‌ای داشته باشند به گونه‌ای که در جامعه، فرهنگ‌سازی صورت گیرد.

تولید داخلی و حمایت از تولید ملی: یک رکن اساسی و مهم در اقتصاد مقاومتی به حمایت از تولیدات داخلی برمی‌گردد. حمایت از صنعت، کشاورزی و تولید ملی، بخش درون‌زای اقتصاد کشور است که از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و تأثیر مستقیم بر زندگی افراد جامعه دارد. رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و رفع بیکاری، افزایش درآمد، شکوفایی استعدادهای داخلی، رشد تجارت و بازرگانی بین‌المللی، پیشرفت صنایع و کارخانه‌ها و غیره از پیامدهای حمایت از تولیدات و محصولات داخلی است (رجبی کلوانی و همکاران، 1391).

کاهش وابستگی به نفت و توسعه صنایع دانش‌بنیان: مهم‌ترین نقطه ضعف اقتصادی کشور، خام‌فروشی نفت و مواد معدنی است که منجر به وابستگی فعالیت‌های عمرانی و جاری مملکت به فروش نفت شده و در صورتی که نفت خام با قیمت پائین به فروش رسد، محصولات فراوری شده و نهایی بایستی با قیمت کلان به کشور وارد گردد. راهکار برون‌رفت از این مسئله، جایگزین‌سازی نفت با سایر فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا و ظرفیت‌های بالقوه نظیر کشاورزی، دامپروری، تجارت و تولید دانش‌بنیان است تا بتوان این میزان وابستگی را کاهش داده و خلأهای موجود را از بین برد (جعفری و آهنگری، 1391؛ ملک‌علی‌پور و پورپیر، 1391).

مردمی کردن اقتصاد: مردمی کردن اقتصاد مقاومتی و آگاهی مردم از شرایط اقتصادی جامعه، فعالیت آنان را در مسیر دفاع و حمایت از اقتصاد قرار می‌دهد (رجبی کلوانی و همکاران، 1391). استفاده از فکر، اندیشه و راهکارهای صاحب‌نظران و نیز استفاده از ظرفیت‌های بخش تعاونی (شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود) و خصوصی (شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدماتی که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است) از طریق اجرایی نمودن اصل 44 قانون اساسی سبب پویایی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری آن خواهد شد (ملک‌علی‌پور و پورپیر، 1391).

درواقع، یکی از راهکارهای تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد مقاومتی، ایجاد بنگاه‌های مردم‌محور و تقویت خصوصی‌سازی است.

برقراری ثبات و نظم اقتصادی: مهم‌ترین شاخصه‌های ثبات عبارتند از ثبات در تصمیم‌گیری‌ها، ثبات در برنامه‌ریزی‌ها و ثبات در آرامش اقتصادی. سرمایه‌گذاری در یک کشور زمانی اتفاق می‌افتد که آن کشور از یک ثبات نسبی برخوردار بوده و تلاطم، به‌هم‌ریختگی و هرج‌ومرج در آن وجود نداشته باشد (جعفری و آهنگری، 1391).

توجه به جایگاه پژوهش: با استفاده از حداکثر ظرفیت دانش علمی و پژوهش و نیز با آینده‌پژوهی دقیق و عالمانه، تمامی راه‌های ضربه زدن به اقتصاد کشور، شناسایی شده و راهکارهای مناسب ارائه می‌گردد (پیغامی، 1391: 9).

مبارزه با مفاسد اقتصادی: مفاسد اقتصادی از چالش‌های موجود نظام اقتصادی کشور است که پیامدهایی از قبیل تخصیص غیربهبینه منابع، آثار منفی بر کارایی و رشد اقتصادی، پایمال شدن حقوق افراد و غیره را به همراه خواهد داشت. هر یک از این پیامدها، مانع از شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی سالم و مولد گشته و منابع را به سمتی سوق می‌دهد که نه تنها منجر به ایجاد ثروت نمی‌شود بلکه سبب تضییع منابع نیز می‌گردد. لذا تحقق عدالت و مبارزه با مفاسد حوزه اقتصاد، یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود.

مدیریت درست منابع ارزی و اصلاح نرخ ارز: مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند، در موضوعات حیاتی اقتصاد نظیر موقعیت ارزی و سیاست‌های پولی و مالی مطرح می‌شود، از این رو باید با سیاست‌گذاری‌های برنامه‌ریزی‌شده، نرخ ارز تعدیل گردد. آنگاه با کاهش واردات و قدرت‌بخشی به تولیدات داخلی و رشد آن، می‌توان ارزش ریال را به طور ذاتی، در مقابل فشارهای خارجی، تقویت و تثبیت کرد (پیغامی، 1391: 9). علاوه بر این، با اصلاح نرخ ارز، بدون نیاز به ممنوعیت مصنوعی و فهرستی، واردات بسیاری از کالاها مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود (مستوری، 1391: 24).

استفاده حداکثری از منابع و امکانات داخلی: ایران به لحاظ نهاده‌های تولید مانند مواد اولیه، زمین‌های قابل کشت و وجود ساختار اقتصادی، صنعتی و علمی مطلوب در کنار خیل عظیم نیروی انسانی متخصص، از موقعیتی مناسب برخوردار است که می‌توان با استفاده بهینه از همه این منابع، چرخه اقتصاد داخلی را شکل داده و در تولید بسیاری از کالاها و خدمات به خودکفایی رسید. این امر علاوه بر بی‌اثر کردن تحریم‌ها، بهره‌گیری حداکثری از امکانات را فراهم می‌سازد (مستوری، 1391:24).

آگاهی بخشی و آموزش مردم و افزایش اعتماد عمومی: رسانه‌ها باید اهمیت نقش و جایگاه اقتصاد مقاومتی در معیشت اقتصادی، افزایش اشتغال، کنترل تورم و دیگر آثار و پیامدهای آن را برای مردم تبیین کرده و میزان اعتماد و آگاهی مردم را در این زمینه افزایش دهند. مقاومت در اقتصاد، زمانی اتفاق می‌افتد که همت همگانی و عزم ملی برای این کار وجود داشته باشد و اعتماد عمومی و اطمینان بین مردم و دولت برقرار گردد (رحمانیان، 1391).

در شکل 4، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، به طور خلاصه نشان داده شده است.



مأخذ: نتایج تحقیق

شکل 4. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

2-2-3. شاخص‌ها

با توجه به ماهیت چندگانه اقتصاد مقاومتی و توانایی آن در بازسازی سریع اقتصاد پس از ورود شوک‌های ناگهانی، می‌توان شاخص‌های زیر را به عنوان نشانه‌ای از مقاوم‌تر شدن اقتصاد در نظر گرفت:

رفع بیکاری پنهان و پائین بودن نرخ بیکاری: افزایش اعتیاد، بیماری‌های روانی، گسترش خشونت و تبه‌کاری، برهم خوردن تعادل روحی افراد، افزایش نرخ طلاق، از دست دادن حیثیت و بسیاری

موارد دیگر، از جمله هزینه‌های اجتماعی بیکاری و از دست رفتن بخشی از نیروی کار است که منجر به کاهش تولید ملی بالفعل نسبت به تولید بالقوه می‌شود (تاری و همکاران، 1391: 12). ایجاد اشتغال بایستی با توجه به واقعیت‌های اقتصاد جهانی و شناسایی تحولات آتی آن، شناخت از آینده و با فرض ایجاد مزیت‌های تازه در اقتصاد ایران صورت گیرد. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که تنها با استفاده از یارانه‌های دولتی و انحصارهای موجود و تنگ شدن دایره واردات صورت پذیرد، می‌تواند یک داروی آرام‌بخش با تأثیرات کوتاه‌مدت باشد (سیدشکری، 1380: 48).

میزان بهره‌وری نیروی کار: پائین بودن میزان بهره‌وری متوسط نیروی کار برای یک کشور در مقایسه با سایر کشورها، نشان‌دهنده اتلاف گسترده وقت و سایر منابع است. افزایش مهارت نیروی کار و یا افزایش مهارت به همراه تکنولوژی می‌تواند باعث افزایش مقدار تولید و نهایتاً موجب افزایش بهره‌وری گردد. انسان، فعالیت‌های خود را هوشمندانه و خردمندانه انجام می‌دهد تا بهترین نتیجه را با کمترین هزینه و در مدت زمان کمتر به دست آورد (طاهری، 1390: 26).

میزان فاصله طبقاتی: اختلاف درآمدی تا آنجا که نشانگر تفاوت‌های نسبی افراد باشد، منطقی بوده و می‌تواند عامل مثبتی برای کار و کوشش بیشتر باشد. اما در مواقعی که نابرابری درآمد به اندازه‌ای برسد که جامعه به دو طبقه ثروتمند و فقیر تقسیم گردد، جامعه با خطرات جدی مواجه خواهد شد (ممینی، 1391).

میزان مشارکت و سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، پارامتری کلیدی است که سبب ایجاد همکاری و اتحاد بین مردم می‌شود. وجود چنین سرمایه‌ای فواید متعددی برای جامعه دارد که یکی از آن‌ها، مقاومت بهتر کشور در برابر تهدیدات بیگانگان است. دولت‌ها با گسترش ندادن بیش از حد فعالیت‌هایشان (و به عبارتی دیگر با مانع نشدن از فعالیت‌های بخش خصوصی) می‌توانند انگیزه مشارکت مردم را افزایش دهند (تاری و همکاران، 1391: 13).

تنوع درآمدهای صادراتی کشور: ویژگی مشترک اغلب کشورهای در حال توسعه، وابستگی شدید آن‌ها به تولید و صادرات یک یا چند محصول اولیه یا کشاورزی است که منجر به آسیب‌پذیری شدید آن‌ها در برابر تغییرات قیمتی چنین کالاهایی خواهد شد. راه نجات این

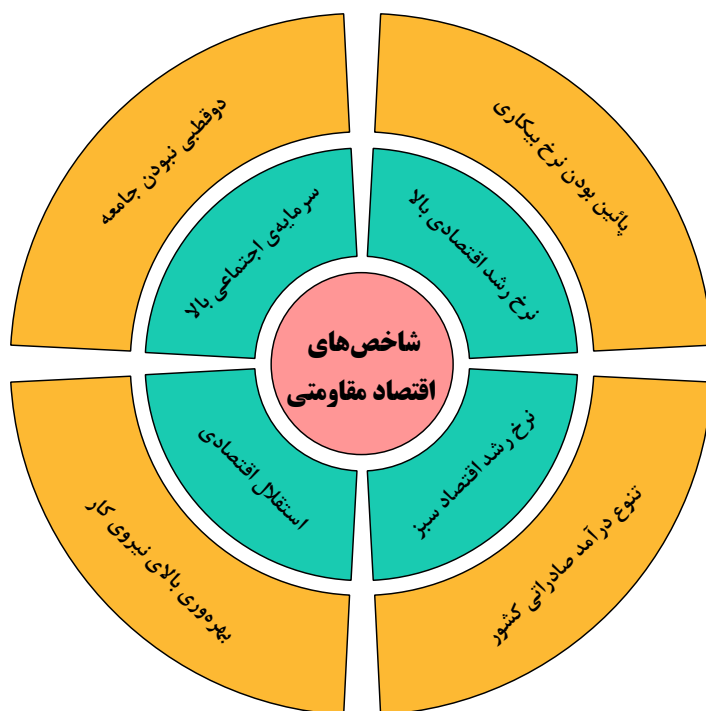
کشورها، گسترش پایه تولید صادراتی به تعداد زیادی از کشورهای جهان است که در ایران اسلامی، این امر به معنای گسترش صادرات غیرنفتی است (تاری و همکاران، 1391:13).

استقلال اقتصادی: به این معنا که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد قابل قبولی از رفاه، تولید کند و در اداره امور اقتصادی، نیازمند و متکی به دیگران نباشد؛ هرچند ترجیح دهد برخی از نیازهای اقتصادی خود را به دلیل هزینه‌های پایین‌تر یا اهدافی دیگر، از خارج از کشور تأمین نماید (هادوی تهرانی، 1378).

نرخ رشد اقتصادی بالا: اقتصادی که با نرخ رشد بالا همراه است، مقاوم‌تر بوده و سبب بالا رفتن سطح درآمدها و افزایش رفاه افراد جامعه می‌گردد. چنین اقتصادی در نهایت می‌تواند شکاف درآمدی بین افراد جامعه را نیز کاهش دهد (ممینی، 1391).

میزان رشد اقتصاد سبز و ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی: عدم توجه به مسائل زیست‌محیطی و سهل‌انگاری در آن، یقیناً تهدیداتی را برای کشور ایجاد خواهد کرد. به باور صاحب‌نظران، چنانچه رشد اقتصادی جوامع، توسعه‌ای از جنس توسعه پایدار و همراه با تأملات زیست‌محیطی نباشد، تأمین سلامت مردم و تداوم حیات جامعه با دشواری‌های بسیاری روبرو می‌شود (داوری، 1395).

شکل 5، شاخص‌های نشان‌دهنده اقتصاد مقاومتی را که صاحب‌نظران و نخبگان در پژوهش‌ها و نقطه‌نظرات خود به آن‌ها اشاره داشته‌اند، نشان می‌دهد.



مأخذ: نتایج تحقیق

شکل 5. شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

4. راهبردها و الزامات اصولی در نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی

برای ورود انگیزه جهادی به اقتصاد کشور و عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی، بایستی مراحل را طی کرد که در ادامه این قسمت، مهم‌ترین آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

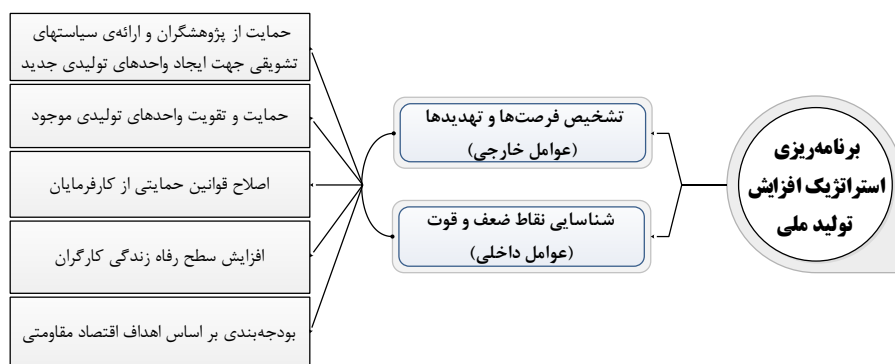
4-1. جهاد اقتصادی و برنامه‌ریزی استراتژیک¹ افزایش تولید ملی

¹. در یک تعریف جامع، برنامه‌ریزی استراتژیک را فرآیندی شامل مرور بر شرایط محیطی، نیازها، توانایی‌ها و نقاط ضعف کشور دانسته که با هدف تصمیم‌گیری روی اهداف، استراتژی و درنهایت تهیه برنامه مبتنی بر اطلاعات کسب‌شده تدوین می‌گردد (محمدفام، 1387).

استراتژی عبارت است از بهترین راه رسیدن به اهداف تعیین شده در راستای چشم‌انداز و رسالت، با در نظر گرفتن عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل داخلی (ضعف‌ها و قوت‌ها) (شیخ‌الاسلامی، 1391). با توجه به نقش تولید ملی در رشد اقتصادی و توسعه‌یافتگی کشور، توجه ویژه به این مقوله بایستی در اولویت کاری مدیران قوای مختلف در تمامی سطوح مدیریت، به صورت عملیاتی و با پرهیز از هرگونه بزرگ‌نمایی و شعاردهی قرار گیرد. مدیران کلان کشور باید در حمایت و تقویت واحدهای تولیدی موجود و حمایت از تحقیقات و محققان و سیاست‌های تشویقی جهت ایجاد واحدهای تولیدی جدید، ایفای نقش کرده و زمینه‌های تحقق تولید حداکثری ملی را مهیا سازند (شیخ‌الاسلامی و توکلی، 1391). لازمه رسیدن به این مهم، افزایش کیفیت تولید داخل، تولید انبوه و کاهش قیمت تمام‌شده است.

در طول سالیان گذشته پس از استخراج نفت، اقتصاد کشور به نفت وابسته گردیده و این مسئله در مقطع کنونی، حربه‌ای برای فشار بیشتر توسط عوامل نظام سلطه علیه منافع ملی شده است. علاوه بر این، بخش مهمی از مصارف ارزی کشور صرف واردات کالاهای غیرضروری می‌شود. این موضوع از چندین جهت به زیان کشور است. اولاً موجب ضربه به تولید داخلی در محصولات مشابه است، دوماً درآمدهای بادآورده و نامشروع نصیب دلان می‌کند، سوم، تقاضای ارز در کشور را افزایش می‌دهد که موجب افزایش نرخ ارز و مشکلات ناشی از آن می‌شود (جعفری و آهنگری، 1391).

اولین گام در ارائه برنامه‌ای استراتژیک، شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت است. ابتدا باید تمام نقاط آسیب‌پذیر، شناسایی و بر حسب میزان آسیب‌پذیری، اولویت‌بندی گردند و نیز مواردی که می‌توان فرصت‌سازی کرد را تشخیص داد. سپس تمام ظرفیت‌ها، توانایی‌ها، استعدادها، بالقوه و بالفعل منابع انسانی، ملی، تکنولوژیکی، مدیریتی، طبیعی و غیره شناسایی شده و نقاط ضعف و قوت هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در شکل 6، موضوعات مورد نظر در تدوین برنامه‌ای استراتژیک به منظور افزایش میزان تولیدات داخلی آمده است.



مأخذ: شیخ‌الاسلامی، 1391؛ شیخ‌الاسلامی و توکلی، 1391

شکل 6. چارچوب تدوین برنامه در راستای افزایش تولید ملی

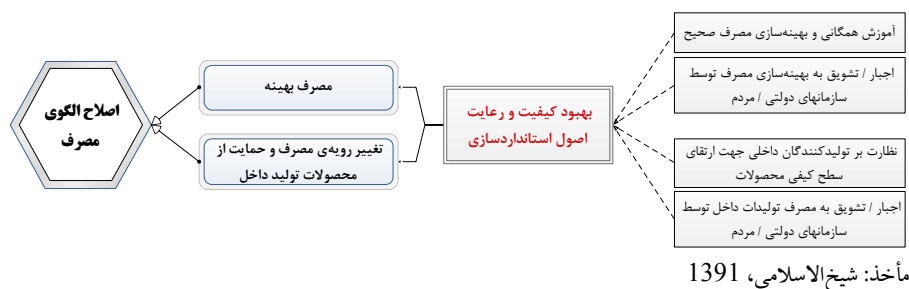
با افزایش تولید داخلی و رهنمون کردن اقتصاد به سمت یک اقتصاد تولید محور، قدرت خوداتکایی بالا می‌رود و ضمن توسعه و پیشرفت صنایع کشور، باعث بهبود سطح رفاه مصرف‌کنندگان و نیز افزایش کیفیت کالاهای داخلی و تحریک مشوق‌های میهن‌پرستانه جهت خرید محصولات تولیدی می‌شود و بدین ترتیب، میزان آسیب‌پذیری اقتصاد در مقابله با فشارها کاهش می‌یابد. همچنین با حمایت و تقویت تولید داخل، بیکاری کاهش یافته و با افزایش عرضه، تورم کم می‌شود و توان رقابتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی افزایش می‌یابد (اسماعیلی، 1390: 44).

2-4. فرهنگ‌سازی و اصلاح الگوی مصرف

منابع و ذخایر هر کشور، جزء ثروت‌های آن کشور به شمار می‌آیند؛ به این معنی که اگر کشوری نسبت به مصرف غیراصولی منابع خود بی‌تفاوت باشد، درواقع نسبت به دارایی‌ها و ثروتش بی‌تفاوت است (رحمانیان، 1391). یکی از مهم‌ترین راهکارهای تحقق اهداف ملی که پیش‌نیازی بنیادی در اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی است، اتخاذ الگوی صحیح مصرف و تعیین حد مطلوب است. اصلاح الگوی مصرف یعنی نهادینه کردن روش صحیح و مناسب استفاده از منابع مادی و

غیرمادی کشور به صورتی که باعث ارتقای شاخص‌های زندگی مردم و کاهش هزینه‌ها شود. «مصرف بهینه» و «تغییر رویه مصرف از محصولات خارجی به محصولات داخلی» از ارکان مهم در این اصلاح به شمار می‌روند. بهبود کیفیت، رعایت اصول فنی، ایمن‌سازی و تکیه بر اصول استانداردسازی، گام نخست در بهره‌گیری از دو رکن فوق است.

تولیدگرایی به جای مصرف‌گرایی به‌ویژه مصرف کالاهای لوکس، یک ضرورت جدی است. گسترش فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی و استفاده بهینه از امکانات موجود، همچنین فرهنگ‌سازی در زمینه سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای که میل به کالاهای داخلی بالا برود نیز بسیار تأثیرگذار است. بدین ترتیب علاوه بر آمادگی کشور برای شرایط تحریم بین‌المللی، تولید و اشتغال داخلی نیز رونق می‌گیرد و از منابع و استعدادهای داخلی به‌درستی استفاده می‌گردد (امیری و همکاران، 1391). بنابراین دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی، آحاد مردم و خانواده بایستی با درپیش گرفتن الگوهای مصرف بهینه (شامل چگونه مصرف کردن، چه چیز مصرف کردن، شناسایی نیازهای واقعی و رعایت اعتدال و صرفه‌جویی در بهره‌برداری از امکانات و منابع) موجب تعادل مصرف کالا شوند تا تعادل بازار در اثر مصرف بی‌رویه به هم نخورده و موجبات گرانی و وابستگی کشور به بازارهای خارجی را فراهم نمایند (جعفری و آهنگری، 1391). مصرف بهینه علاوه بر انجام وظیفه شرعی جهت جلوگیری از اسراف، یک وظیفه انسانی برای حفظ حقوق نسل‌های بعدی بوده و پیامدهای مثبت زیادی همچون بسط و گسترش عدالت اجتماعی، کاهش آلودگی، حفظ محیط‌زیست و غیره را به دنبال دارد. علاوه بر این، به حداکثر رساندن بهره‌وری (به مفهوم دستیابی به نسبت کل ارزش محصول تولیدشده به مجموع ارزش کلیه نهادهای صرف شده) و جدی گرفتن مسئله بازیافت را نیز می‌توان به عنوان راهکارهایی برای بهینه‌سازی مصرف قلمداد نمود (شیخ‌الاسلامی، 1391). در شکل 7، چگونگی اصلاح الگوی مصرف نشان داده شده است.



شکل 7. ارکان اصلاح الگوی مصرف

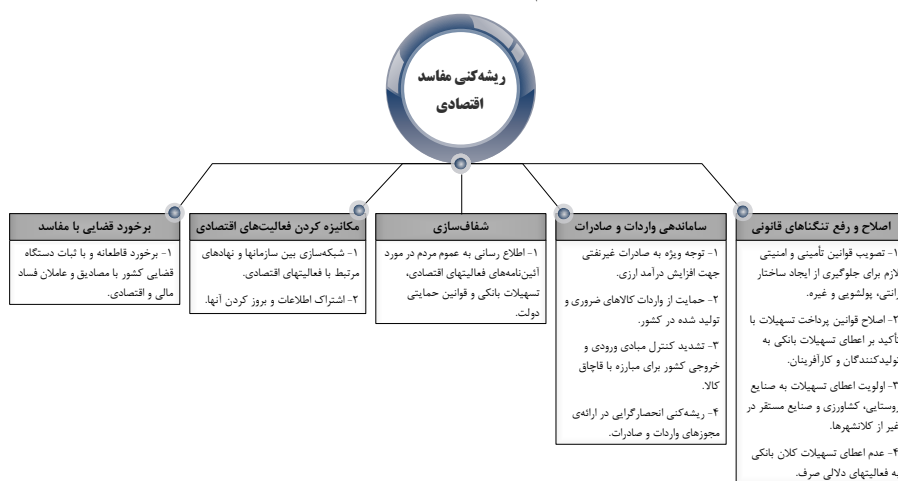
3-4. ریشه کنی مفاسد اقتصادی و سالم‌سازی اقتصاد

یکی از شرط‌های موفقیت در مسیر حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، فرهنگ‌سازی در ابعاد مختلف اقتصادی است (امیری و همکاران، 1391). امروزه گستردگی فعالیت‌های اقتصادی موجب شده تا اعمال غیرقانونی در حوزه اقتصاد در پوشش‌های جدیدی ظاهر شود که در سالیان گذشته، سابقه روشنی از آن وجود ندارد. اغلب در ادبیات اقتصادی، فساد را استفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی می‌دانند. اگرچه فساد جنبه‌های متفاوتی دارد، ولی در تحلیل آن بیشتر به ارتباط فساد با فعالیت‌های دولت تأکید شده است. فساد و رانت‌جویی از عوامل ایجاد و گسترش بخش غیررسمی است. تاکنون ارتباط فساد و رانت‌جویی با حجم فعالیت‌های غیررسمی در مدل‌های نظری گوناگونی سنجیده شده است و این موضوع به اثبات رسیده است که در کشورهایی که در آن‌ها فساد و رانت‌جویی به طور گسترده‌ای وجود دارد و قانون توانمندی ندارد، بخش غیررسمی بزرگ‌تری دارند (سلیمی‌فر و کیوانفر، 1389).

یکی از معضلات عمده اقتصاد ایران و عامل اساسی شکل‌گیری فساد اقتصادی در کشور، وجود یک بخش دولتی گسترده است. به رغم ابلاغ سیاست‌های اصل 44، بسیاری از شرکت‌ها، نهادها، سازمان‌ها و صنایعی که با استناد به این اصل شکل گرفته‌اند، نه تنها حاضر به تعدیل ساختاری خود نیستند بلکه در بسیاری از موارد، قدرت انحصاری اولیه خود در یک بازار را به بازارهای دیگر نیز گسترش داده‌اند. فساد می‌تواند به طرق مختلفی مانند گرفتن مجوز ساختگی برای فعالیت خاص، تبانی در پرداخت مالیات‌ها، دستکاری در امور ملکی و اسناد دولتی، ورود به

مناقصات، مزایده‌ها و قراردادهای دولتی، سوءاستفاده در امر تهیه و توزیع کالاها و خدمات، استخدام و اعطای مقامات دولتی و بسیاری موارد دیگر انجام گیرد. فساد زمانی پدیدار می‌شود که انحراف در نظام مقررات و سیاست‌گذاری، زمینه آن را فراهم آورده و نهادهای بازدارنده آن نیز ضعیف عمل نمایند (صباحی و ملک‌الساداتی، 1388).

شناسایی مصادیق، ریشه‌ها و عوامل بروز فساد مالی و اقتصادی، پیش‌نیاز شروع اقدامات اصلاحی است. مبارزه با این مفاسد موجب کاهش شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی شده و به سلامت اقتصادی جامعه کمک می‌کند و در بسط و توسعه عدالت، نقش مؤثری ایفا می‌کند. همچنین تلاش دولت برای مبارزه با مفاسد اقتصادی، اعتماد عمومی را به دنبال دارد (شیخ‌الاسلامی و توکلی، 1391). شکل 8 اقدامات لازم در مبارزه با مفاسد اقتصاد را بیان می‌کند.



مأخذ: شیخ‌الاسلامی و توکلی، 1391

شکل 8. اقدامات مورد نیاز در سالم‌سازی اقتصاد

4-4. عزم و انسجام ملی میان مردم و مسئولان

همراهی مردم و مسئولان، پیش‌نیاز اساسی در اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی است؛ چراکه در اکثر مؤلفه‌ها و راهبردهایی که نام برده شد، مشارکت جدی مردم و همکاری با مسئولان می‌تواند تا

حدود زیادی به بهبود این راهکارها اعم از صرفه‌جویی، عدم مصرف کالای خارجی و به تبع آن، کاهش وابستگی کشور و کاهش واردات بی‌رویه منجر شود. از سویی دیگر، همدلی میان مردم و مسئولان و میان خود مسئولان می‌تواند کشور را از تنگناهای بسیار خطرناک و مشکل به سلامت عبور دهد (جعفری و آهنگری، 1391).

5. استراتژی الگوی اقتصاد مقاومتی در شرایط پساتحریم

اقتصاد مقاومتی یکی از مهم‌ترین راهبردهای اقتصادی است که ارتباطی درهم‌تنیده با خودکفایی و استقلال اقتصادی دارد و ویژگی مذکور، این نوع اقتصاد را از دیگر راهکارها و تمهیدات اقتصادی متمایز می‌سازد (جعفری و آهنگری، 1391). تحریم‌های اقتصادی که با هدف تغییر موضع سیاست خارجی کشور مورد تحریم شکل می‌گیرند، در صدد تأثیرگذاری بر رفتار کشور از طریق تهدید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به منظور عدم رعایت قانون می‌باشند. بنا بر اظهار نظر کارشناسان و شواهد آماری، طی سالیان گذشته، تحریم‌های اقتصادی (تجاری و مالی) یکی از مهم‌ترین موانع تضعیف حضور کشور در بازارهای بین‌المللی بوده و به کاهش تعاملات خارجی منجر شده است. در این سالیان، یکی از شاخص‌هایی که همواره از جانب کشورهای تحریم‌کننده ایران مورد استفاده قرار گرفته است، هدف قرار دادن نقطه آسیب‌پذیر کشور یعنی صنعت نفت است. برون‌زا بودن اقتصاد ایران سبب شده است تا با کاهش درآمدهای نفتی، بازار این کشور دچار اختلال شده و زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی آن مورد هدف قرار گیرد. در حالی که اگر اقتصاد آن بر اساس پتانسیل‌های بالقوه‌اش طراحی شده بود و سیاست‌های چندگانه اقتصاد مقاومتی به‌درستی اجرا می‌شد، هیچ تحریمی نمی‌توانست به آن خدشه وارد کند. اگرچه تحریم‌ها باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به نحوی که مورد انتظار کشورهای غربی بود نشده است ولی در صورت عدم وجود تحریم، اقتصاد کشور در وضعیت مطلوب‌تری قرار می‌گرفت (علیخانی، 1380). تحریم‌ها، آثار و تبعاتی نظیر محدود شدن ارزآوری کشور، جهش نرخ ارز، محدودیت در واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تحدید دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی و نیز مشکل در تأمین کالاهای اساسی کشور را به همراه داشته است.

ایران کشوری است با رتبه نخست در مجموع ذخایر نفت و گاز جهان که در کانون ۷۰ درصد از ذخایر عمده انرژی جهان قرار دارد. علاوه بر این، سرزمینی چهارفصل و پهناور است و می‌تواند بخش مهمی از سرمایه‌گذاران و گردشگران خارجی را به خود جذب کرده و مرکزی برای گفتگوی تمدن‌ها باشد. توان نهفته بالای اقتصادی ایران در حالی است که وضع موجود اقتصاد ایران به دلیل بهره‌نبردن از فرصت‌های موجود دنیا و همچنین تأثیرپذیری رشد اقتصادی آن از تغییرات قیمت نفت، تاکنون توان تثبیت نیافته است. در این میان، رفع تحریم‌ها و موانع پیش روی اقتصاد ایران می‌تواند فرصت مغتنمی برای تغییرات گسترده در وضع موجود باشد. با رفع فشارهای تحریم از پیکره اقتصاد ایران، لازم است هم به بعد استفاده مناسب از فرصت‌های به وجود آمده توجه شود و هم اینکه با مدیریت صحیح اقتصاد کشور و با استفاده از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ۲۴ محور مورد تأکید قرار گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، تا حد ممکن از آسیب‌پذیری کشور در مقابل تهدیدهای خارجی کاسته شود. برای تحقق این اهداف، علاوه بر به‌کارگیری سیاست‌هایی که در بازه زمانی کوتاه‌مدت، شرایط را مساعدتر و از افشار ضعیف جامعه در برابر ضربات جدی اقتصادی حمایت می‌کند، می‌بایست تدابیر جدی‌تر و مؤثرتری در مقایسه با گذشته را به مرحله اجرا درآورد تا از آسیب‌پذیری اقتصاد کشور به طور جدی کاسته شود. بر اساس این موضوع، لازم است که راهکارهایی هم برای دوره زمانی کوتاه‌مدت و هم برای دوره زمانی میان‌مدت و بلندمدت در نظر گرفته شود که هر دو دسته از این راهکارها، اهمیت بالایی در بهبود شرایط و تقویت امنیت اقتصادی کشور دارند.

۱-۵. الزامات دوره زمانی کوتاه‌مدت

در دوره کوتاه‌مدت، بایستی با بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های به وجود آمده در دوران پست‌تحریم، آسیب‌های واردشده به اقتصاد را تا حد ممکن برطرف کرده و پیش‌نیازهای لازم برای ارتقای

قدرت و امنیت اقتصادی کشور فراهم شود. موارد زیر به عنوان راهکارهای پیشنهادی در بازه زمانی کوتاه‌مدت در حوزه‌های اقتصادی مختلف معرفی می‌شود.

1-1-5. مدیریت انتظارات تورمی

به منظور حفظ سیاست کاهش تورم و کنترل آثار آن بر رکود در سمت تقاضا، می‌توان از طریق سیاست‌های مناسب، انتظارات تورمی آحاد جامعه پائین آورده شود. با این حال، ذکر این نکته ضروری است که کاهش هر چه بیشتر تورم از کانال انتظارات تورمی، نیاز به اصلاحات ساختاری و نهادی بیشتری دارد. به عبارتی دیگر، دولت و مقامات مالی باید در اعمال سیاست‌های خود نسبت به انتظارات کارگزاران اقتصادی، حساس باشند و با ارائه اطلاعات صحیح و شفاف جهت ایجاد اطمینان در بین مردم و کارگزاران اقتصادی، انتظارات تورمی جامعه را به شکل مناسبی مدیریت کنند (عنافچه و درخشان، 1394).

2-1-5. کاهش شکاف میان دو نرخ ارز رسمی و بازار

اگرچه سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به منظور دستیابی به ثبات بیشتر در بازار ارز ارائه می‌شود، اما با توجه به اینکه اجرای موفق این سیاست، مستلزم تعدیل رفتار شرکت‌کنندگان بازار و تحقق پیش‌شرط‌های لازم قانونی و اقتصادی نظیر افزایش ذخیره‌های ارزی است، توصیه می‌شود در کوتاه‌مدت، دولت در راستای عدم افزایش و کنترل شکاف بین نرخ آزاد و مبادله‌ای تلاش کند (تدبیر اقتصاد، 1393؛ عنافچه و درخشان، 1394؛ رحمانیان، 1391).

3-1-5. تقویت میزان همکاری نهادهای مرتبط با حوزه‌های نفت و سیاست خارجی

تعداد زیاد پروژه‌های نیمه‌تمام در حوزه نفت و گاز، از جمله مشکلات اساسی است که به دلیل تحریم‌های متعدد، تکمیل و بهره‌برداری از آن‌ها به تأخیر افتاده است. به منظور تعیین تکلیف این پروژه‌ها، وزارتخانه‌های نفت و امور خارجه می‌توانند با همکاری یکدیگر، گام مهمی در جهت خاتمه این پروژه‌ها و آغاز بهره‌برداری از آن‌ها بردارند (صیادی و برکشلی، 1391).

4-1-5. مدیریت صحیح درآمدها و هزینه‌های دولت

با توجه به قرارگیری قیمت جهانی نفت در سطح پائین، اجرای توافق هسته‌ای نیز تأثیر بسیار زیادی بر روی منابع مالی دولت نخواهد داشت. از این رو دولت می‌بایست با اجرای سیاست‌هایی نظیر کنترل هزینه‌ها و حفظ انضباط مالی، ساماندهی درآمدهای مالیاتی و غیره، نسبت به مدیریت صحیح منابع و مصارف مالی خود اقدام کند (تدبیر اقتصاد، 1393؛ عنافچه و درخشان، 1394). به طور مثال، تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی دولتی در دیوان محاسبات، استفاده از سیستم برنامه‌ریزی منابع انسانی، به کارگیری تکنیک‌های نوین مدیریت هزینه، بودجه‌ریزی عملیاتی، خصوصی‌سازی تدریجی و ... به عنوان راه‌حل‌هایی برای رفع مشکلات مدیریت هزینه در بخش دولتی پیشنهاد شده است (اسلام‌زاده و همکاران، 1394).

5-1-5. توجه به اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

با توجه به افزایش متقاضیان جویای کار در شرایط کنونی، برنامه‌ریزی جامع و مدون در راستای سرمایه‌گذاری مضاعف و خلق فرصت‌های شغلی پایدار به‌ویژه برای تحصیل‌کردگان دانشگاهی، بسیار پراهمیت و ضروری است (عنافچه و درخشان، 1394).

5-1-6. استفاده از ظرفیت بنگاه‌های تولیدی

پائین بودن قدرت خرید مردم و عدم تقاضای کافی برای محصولات تولیدی سبب شده است اکثر بنگاه‌های تولیدی کشور از تمامی ظرفیت خود استفاده نکنند. از این رو نیاز است تا با به کارگیری راهکارهای مناسب نظیر طرح فروش اقساطی کالاهای ایرانی، قدرت خرید مردم و در نتیجه تقاضا برای تولید داخلی را افزایش داد. با این شرایط، بنگاه‌های تولیدی داخل کشور نیز برای پاسخگویی به نیاز مردم از حداکثر ظرفیت خود استفاده خواهند کرد (صیادی و برکشلی، 1391).

5-2. الزامات دوره زمانی بلندمدت

علاوه بر اقداماتی که باید در بازه زمانی کوتاه‌مدت در دوران پساتحریم انجام گیرد، بایستی به این نکته نیز توجه داشت که ساختار اقتصادی ایران دارای نقاط ضعف و آسیب‌پذیر است و لازم است

نسبت به برطرف کردن آن‌ها، راهکارهای اساسی به کار گرفته شود. یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه، اجرای کامل و صحیح سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در کشور است. بر این اساس، موارد زیر به منظور تقویت و افزایش امنیت اقتصادی کشور پیشنهاد می‌گردد.

1-2-5. افزایش همکاری‌های تجاری و بهره‌مندی از ظرفیت‌های تجارت بین‌المللی

فقدان دیپلماسی اقتصادی و عدم بهره‌گیری از پتانسیل تجارت بین‌الملل، یکی از ایرادهای وارد بر اقتصاد ایران است. افزایش همکاری‌های تجاری و انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای قدرتمند، علاوه بر رشد مبادلات برون‌مرزی کشور، منجر به ترویج و گسترش همکاری‌ها و شکل‌گیری وابستگی متقابل در روابط کشورها با یکدیگر می‌گردد (تدبیر اقتصاد، 1393؛ صیادی و برکشلی، 1391).

2-2-5. سیاست‌گذاری در جهت اصلاح نظام بانکی

مدیریت ذخایر ارزی، کاهش نرخ کارمزد و پیش‌پرداخت، سیاست کاهش نرخ بهره، افزایش کیفیت خدمات بانکی و غیره می‌تواند راهکاری در کاهش اثر تحریم‌های مالی باشد (تدبیر اقتصاد، 1393؛ عنافچه و درخشان، 1394).

3-2-5. کاهش نوسانات نرخ ارز

بروز تورم‌های شدید از جمله پیامدهای منفی نوسانات نرخ ارز بر پیکره اقتصاد است. لذا با تثبیت نرخ ارز می‌توان از چنین آثار مخربی که سبب تغییر بافت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری و نیز تغییر وضعیت بازارهای داخلی و خارجی می‌شود، جلوگیری کرد (عنافچه و درخشان، 1394؛ رحمانیان، 1391؛ رجبی کلوانی، 1391).

4-2-5. هدایت سرمایه‌های داخلی به سمت واحدهای تولیدی پربازده

سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد اقتصادی، افزایش رشد تولیدات داخلی را به همراه دارد که این امر موجب بهبود شرایط اقتصادی اقشار ضعیف جامعه مانند کارگران که آسیب‌پذیرترین قشر در شرایط رکود تورمی هستند، می‌شود (صیادی و برکشلی، 1391).

5-2-5. توجه به ابعاد مختلف اقتصاد در تدوین سیاست‌های اقتصادی

به منظور تحقق اهداف بلندمدت اقتصاد و دستیابی به رشد و توسعه پایدار، نیاز است سیاست‌های کلان اقتصادی با هم هماهنگ و هم‌راستا شوند. در شرایط فعلی، ناهماهنگی بین سیاست‌های اقتصاد کلان یکی از معضلات کشور است و در هر مقطع زمانی، سیاست‌های اقتصادی تنها در راستای رسیدن به تعداد معدودی از اهداف مهم اقتصادی دنبال می‌شوند (تدبیر اقتصاد، 1393؛ عنافچه و درخشان، 1394).

5-2-6. مدیریت صحیح درآمدهای نفتی

در صورتی که درایت کافی در مدیریت درآمد ارزی نفت وجود داشته باشد می‌توان شرایطی را ایجاد کرد که درآمدهای نفتی به جای تأمین هزینه‌های جاری کشور، همچون سرمایه برای نظام اقتصادی باشند (تدبیر اقتصاد، 1393؛ صیادی و برکشلی، 1391).

5-2-7. انتخاب مشتریان راهبردی برای صادرات نفتی و ایجاد تنوع در روش‌های فروش

با توجه به اینکه در بخش نفت، ایران با برخی از کشورها رابطه دوستانه‌ای دارد، می‌توان با تعیین مقاصد مناسب برای صادرات نفت، گاز و سایر محصولات نفتی، از فروش نفت به کشورهایی که سابقه تحریم نفتی ایران را در کارنامه دارند، بی‌نیاز شده و اثر تحریم‌ها را خنثی کرد (تدبیر اقتصاد، 1393).

5-2-8. حمایت همه‌جانبه و هدفمند از افزایش میزان تولید و صادرات غیرنفتی

توجه به اجرای راهکارهای مناسب در راستای کاهش وابستگی به نفت و صادرات غیرنفتی و نیز جهت‌دهی به توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی، میزان رقابت‌پذیری کشور در صحنه بین‌المللی را افزایش داده و جایگاه کشور را در بازارهای بین‌المللی محکم‌تر می‌کند (صیادی و برکشلی، 1391؛ عنافچه و درخشان، 1394؛ رحمانیان، 1391).

9-2-5. منطقی کردن اندازه دولت و گسترش خصوصی‌سازی سازمان‌ها

استراتژی کوچک‌سازی، رویکردی غالب برای سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. این استراتژی که رویکرد استنباطی برآمده از اسناد فرابخشی از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های توسعه است، راهکار ارائه‌شده برای اصلاحات ساختاری در دولت و سازمان‌های دولتی محسوب می‌گردد. با توجه به اینکه در زمان تحریم، دولت و نهادهای وابسته به دولت در عمل امکان فعالیت چشمگیری در عرصه واردات و صادرات ندارند، اجرای سیاست کاهش دخالت دولت در اقتصاد و واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد. درواقع مؤثرترین راه برون‌رفت از چالش تحریم‌ها، باز گذاشتن دست مجموعه‌های خصوصی برای ورود جدی به عرصه صادرات و واردات است (عنافچه و درخشان، 1394؛ رحمانیان، 1391؛ رجبی کلوانی و همکاران، 1391).

10-2-5. بهینه‌سازی و کاهش شدت مصرف انرژی

شدت مصرف انرژی یکی از شاخص‌های بررسی میزان مصرف انرژی است، به طوری که بالا بودن این شاخص، نشانگر مصرف بیشتر انرژی است. طی سالیان دراز، نقش بخش نفت و گاز در اقتصاد ایران چنان پراهمیت بوده است که رونق یا رکود نسبی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور تا حد زیادی تابع افزایش یا کاهش تولید و درآمد نفت بوده است و هنوز نیز این وابستگی درآمدی، تأثیر فراوانی در اقتصاد کشور دارد. اگرچه کشور از لحاظ منابع انرژی در رده اولین کشورهای جهان است، لیکن عمر این ذخایر محدود بوده و در صورتی که سیاست‌های اجرایی در ارتباط با اصلاح الگوی مصرف انرژی تدوین نگردد، آینده صنعت نفت و گاز کشور در صادرات

محصولات با چالش روبرو خواهد شد (صیادی و برکشلی، 1391؛ رجبی کلوانی و همکاران، 1391).

6. نتیجه‌گیری

رهیافت اقتصاد مقاومتی، رویکردی کوتاه‌مدت و اقدامی تنها دفاعی در زمینه پرداختن به مسائل معیشتی مردم در زمان اعمال تهدیدها، تحریم و هجوم‌های خارجی نیست، بلکه اقتصاد مقاومتی به منظور دستیابی به اقتصاد ایدئال اسلامی با چشم‌اندازی کلان به اقتصاد کشور، سعی در رسیدن به جایگاه اول منطقه در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مسیر راه آینده اقتصاد ایران به شمار می‌آیند. عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی، رشد و توسعه اقتصادی کشور را تضمین کرده و نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ملی را کاهش می‌دهد. از این رو، در مطالعه حاضر سعی شده است در راستای فراهم کردن بسترهای مقاوم‌سازی اقتصاد ملی، مهم‌ترین ابعاد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و راهبردهای اصولی دستیابی به اهداف آن موثر شکافی شده و الزامات کوتاه‌مدت و بلندمدت در شرایط پس از تحریم ارائه گردد.

از جمله اشکالات اساسی مدیریت اقتصادی کشور، نداشتن الگویی برای مدیریت اقتصاد در شرایط حساس و بحرانی است. در شرایط فعلی که با مسئله مهم تحریم‌ها مواجه هستیم با وجود تلاش مستمر مسئولان، متأسفانه بسیاری از مسائل به چالش تبدیل شده و چالش‌ها نیز فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف پیدا کرده‌اند. سیاست‌های اقتصادی نیز بدون الگویی از پیش تعیین شده و به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی به کار گرفته می‌شوند و در مجموع، کارایی لازم را ندارند. از دیدگاه رهبری، اقتصاد مقاومتی سبب می‌گردد در شرایط فشار، روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و میزان آسیب‌پذیری آن به حداقل رسد. الگوی اقتصاد مقاومتی، اهدافی همچون رهایی از اقتصاد تک‌محصولی و قطع وابستگی بودجه به منابع حاصل از صادرات نفت و گاز، اجتناب از خام‌فروشی نفت، تقویت و مصرف تولید داخلی، افزایش مرغوبیت و کیفیت تولید، دانش‌بنیان کردن تولید، جلوگیری از واردات بی‌رویه، اصلاح الگوی مصرف، غلبه بر

بسیاری از مشکلات کنونی اقتصادی کشور (نظیر تورم، بیکاری و پائین بودن نرخ بهره‌وری)، خنثی کردن اثر تحریم‌ها، خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک و بسیاری موارد دیگر را دنبال می‌کند.

در پایان باید گفت از آنجا که تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده در سال‌های اخیر، هزینه‌های گزافی را بر کشور تحمیل کرده است، شایسته نیست که در آینده با کوتاهی و ضعف در انتخاب استراتژی‌های مناسب و بهنگام در برابر اختلال‌های داخلی و خارجی، شرایط برای ایجاد مشکلات مشابه برای کشور فراهم گردد. از این رو، لازم است با توجه به استراتژی الگوی اقتصاد مقاومتی در بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت، از ضعف عملکرد اقتصادی در گذشته عبرت گرفته و با عملیاتی کردن سیاست‌های ابلاغی در حوزه اقتصاد مقاومتی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور، امکان تکرار این نوع فشارهای اقتصادی در آینده به کمترین میزان خود برسد.

منابع

- اسماعیلی، بابک (1390). «از مقاومت اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی». هفته‌نامه پنجره. شماره 85.
- اسلام‌زاده، امید؛ جوادی، نوید؛ زیباکردار، خسرو و میثم تحسیری (1394). «تبیین مشکلات و راه‌حل‌های مدیریت هزینه در بخش دولتی»، دانش حسابداری. سال پانزدهم. شماره 60. صص 71-92.
- اصغری، محمود (1393). «خانواده و نقش آن در اقتصاد مقاومتی». فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. سال بیستم. شماره سوم (پیاپی 102). صص 95-79.
- افشار، اسدالله (1391). از جهاد اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی. برگرفته از سایت تابناک (www.tabnak.ir). تاریخ انتشار: 23 آبان 1391. کد خبر: 284686.
- امیری، مریم؛ فرخی، مجتبی و زینب امیری (1391). «نظریه اقتصاد مقاومتی»، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان. رشت.
- بناءرضوی، مهدی (1367)، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ نخست.

پیغامی، عادل (1391). «پرونده اقتصاد مقاومتی». ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف. شماره 93.

تاج آبادی، حسین (1391)، اقتصاد مقاومتی چیست؟. برگرفته از وبلاگ عطش (www.atash61.parsiblog.com). تاریخ انتشار: 28 مرداد 1391.

تاری، فتح‌الله؛ سیدشکری، خشایار و زهرا کاویانی (1391). «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)». دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل: 12546.

تدبیر اقتصاد (1393)، تحلیل و سناریو سازی نتایج مذاکرات هسته‌ای بر امنیت اقتصادی کشور. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. چاپ نخست.

تقی‌زاده انصاری، محمد (1379). «استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره 49.

جعفرزادگان، امیر و احسان‌اله حبیبی (1391). «اقتصاد مقاومتی: مفهوم، ضرورت، واقعیت». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان. رشت.

جعفری، انوش و آهنگری، مریم (1391)، «استراتژی اقتصاد مقاومتی». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان. رشت.

خامنه‌ای، سیدعلی (1392). ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (www.Khamenei.ir). تاریخ انتشار: 29 بهمن 1392. کد خبر: 25370.

داوری، محسن (1395). اقتصاد سبز، مصداق واقعی اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی. برگرفته از سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) (www.irna.ir)، تاریخ انتشار: 6 مرداد 1395، کد خبر: 82166534 (5464811).

رجبی کلوانی، پرویز؛ کشاورز شال، فتح‌الله و تیمور آریامنش (1391). «تحریم اقتصادی و راهبردهای اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان. رشت.

- رحمانیان، ساره (1391)، «بررسی مؤلفه‌ها، تبیین استراتژی و دستاوردهای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان. رشت.
- روحانی، علی و احسان خاندوزی (1393). «درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ارزیابی احکام قانونی مرتبط (ویرایش اول)». دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: 13722.
- رهبر معظم انقلاب اسلامی (1395). بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (www.Khamenei.ir). تاریخ انتشار: 1395/01/01، کد خبر 32695.
- زاهدی، شمس‌السادات و غلامعلی نجفی (1385). «بسط مفهومی توسعه پایدار». مدرس علوم انسانی. دوره 10. شماره 4. صص 43-76.
- سلیمی‌فر، مصطفی و محمد کیوانفر (1389). «اقتصاد غیر رسمی در ایران و اثر تورم بر آن». مجله دانش و توسعه. سال هجدهم. شماره 33.
- سیدشکری، خشایار (1380). «عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. تهران.
- شهبازی، نجف‌علی (1389). «اقتصاد مقاومتی، خنثی‌کننده هر نوع تحریم اقتصادی». ماهنامه پیام انقلاب. شماره 42.
- شیخ‌الاسلامی، زین‌العابدین (1391). استراتژی‌های انتقال مؤثر تکنولوژی در SMEها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان.
- شیخ‌الاسلامی، زین‌العابدین و یحیی توکلی (1391). «ارائه مدلی برای نقش حاکمیتی - حمایتی مدیریت کلان در تحقق تولید ملی». مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و تولید ملی. قم.
- صباحی، احمد و سعید ملک‌الساداتی (1388). «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی». فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی. شماره 53.
- صدر، سیدمحمدباقر (مترجم) (1393). فلسفه ما. ترجمه سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری. تهران: انتشارات خرسندی، چاپ نخست.

صیادی، محمد و فریدون برکشلی (1391). «اثرات بلندمدت و کوتاه‌مدت تحریم‌های بین‌المللی نفتی بر بخش انرژی ایران». معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک. گزارش راهبردی. شماره 155.

طاهری، شهنام (1390). بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها (مدیریت بهره‌وری فراگیر). تهران: انتشارات هستان. چاپ هجدهم.

علیخانی، حسین و محمد متقی‌نژاد (مترجم) (1381). تحریم ایران، شکست یک سیاست. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ نخست.

عنایچه، ایمانه و حمیدرضا درخشان (1394). تحریم اقتصادی؛ آموزه‌ها و راهکارهایی برای آینده. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. چاپ نخست.

مستوری، حمید (1391). «اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی». ماهنامه اندیشه گستر سایا. شماره 129.

محمدفام، ایرج (1387). «ایمنی مبتنی بر مدیریت استراتژیک: چرا و چگونه؟». فصلنامه سلامت کار ایران. دوره 5. شماره 1 و 2. صص 1-5.

ملک علیپور، غلامرضا و محمد پورپیر (1391). «تبیین مقایسه‌ای سیاست اقتصاد مقاومتی با سایر مکاتب اقتصادی». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان. رشت.

ممبینی، یعقوب (1391). «مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی». مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان، رشت.

نظری، حسن آقا (1385). نظریه پردازی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات سمت. چاپ نخست.

نیلی، مسعود (1383). اقتصاد ایران و معماری توسعه‌نیافتگی. تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف. چاپ نخست.

هادوی تهرانی، مهدی (1378). مکتب و نظام اقتصادی اسلام. قم: مؤسسه انتشارات خانه خرد.

OECD (2001). *The DAC Guidelines: Strategies for Sustainable Development*, France: OECD Publications Service.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی